



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	۴۹	تاریخ	۱۴۰۴ / ۱۱ / ۱۲
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم				
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»				
عنوان ۳	جمع بندی تفسیر سوره مبارکه حمد و ساختارشناسی قرآن ➤ جامعیت و اشتغال سوره حمد ➤ نظام توقیفی ترتیب سور و آیات ➤ حکمت صیانت و حفظ آیات خاص ➤ فهم بطون و لایه های پنهانی قرآن				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

این جلسه به جمع بندی مباحث تفسیری پیرامون سوره مبارکه حمد و بررسی ساختار تدوین قرآن کریم اختصاص دارد.

در بخش نخست، بر جامعیت سوره حمد به عنوان عصاره معارف اسلامی تأکید شده است؛ بدین سان که این سوره، سیر آفرینش را از آغاز تا انجام («الْحَمْدُ لِلَّهِ» تا «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»)، ترسیم نموده و با گذار از توحید نظری به توحید عملی در آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، ضرورت وجود حجت الهی و راهبر معصوم را در ذیل مفهوم «صراط مستقیم» تبیین می نماید.

در ادامه، ضمن اشاره به جایگاه سوره حمد به عنوان اجمالی از تفصیل قرآن کریم، بر «توقیفی بودن» نظم و چینش کنونی آیات و سوره ها تأکید گردیده است. بر این اساس، ترتیب موجود به دستور رسول اکرم صلی الله علیه و آله و با حکمتی الهی سامان یافته که یکی از مصادیق این حکمت، صیانت و حفظ برخی آیات خاص (همچون آیه تطهیر و آیه ابلاغ) در لابلای سیاق های گوناگون است.

در پایان، با استناد به روایات «سبعة أحرف»، میان تفسیر ظاهری و فهم بطون قرآن تفکیک قائل شده و دستیابی به لایه های پنهانی و حقایق باطنی وحی، منحصر به ساحت علم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دانسته شده است.

جمع بندی تفسیر سوره مبارکه حمد و ساختارشناسی قرآن

در این جلسه، برآنیم تا مباحث تفسیری پیرامون سوره مبارکه حمد را جمع بندی نماییم. از گفتارهای پیشین، چندین نکته بنیادین آشکار گردید:

جامعیت و اشتغال سوره حمد

سوره حمد، به راستی عصاره تمامی معارف بنیادین دین مبین اسلام است؛ از توحید، معاد، نبوت و امامت گرفته تا فروع دین، که همگی در آیات شریفه بسمله تا «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» تجلی یافته اند. پیش از این اشاره شد که این سوره، تنها به تبیین توحید نظری بسنده نمی کند، بلکه سیر آفرینش را از آغاز تا انجام در خود جای داده است؛ بدین شرح که:

❖ آیه شریفه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» بیانگر آفرینش رحمانی پروردگار نسبت به جهانیان است. این سیر از منظر صدوری و نزولی آغاز گشته و تا «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» استمرار می یابد که به معنای رجعت و بازگشت تمامی عوالم به سوی خداوند است؛ روزی که روز محاسبه، پاداش و کیفر خواهد بود.

❖ پیوند توحید نظری و عملی: این سیر معارف توحیدی و اعتقادی، انسان را از توحید نظری به سوی توحید عملی رهنمون می سازد؛ چنان که در آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» بدان پرداخته شده است. این آیه ناظر به توحید عملی است؛ بدین معنا که اطاعت و پرستش، تنها سزاوار خداوند است. او نه تنها آفریدگار هستی است، بلکه یگانه معبود، یگانه مطاع، یگانه فرمانروا و مالک حقیقی امر است. بر این معنا تأکید شده است که هم خداوند خالق است و هم آفرینش از آن اوست و هم فرمان، تنها فرمان اوست؛ نظیر: «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ»^۱ و «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ»^۲. عبارت: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ناظر به توحید عملی و توحید در طاعت است، همان گونه که «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» به توحید اعتقادی و نظری اشارت دارد.

❖ تبیین فروع دین در بستر صراط مستقیم: آیات شریفه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» چکیده و خلاصه تمامی معارف عملی دین و فروع آن است. «صراط مستقیم» همان فروع دین و اعمال و احکام مرتبط با آن است که خدای متعال برای ما تبیین فرموده است.

❖ جایگاه امامت: عبارت: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» به مسأله امامت و چگونگی عمل به فروع و اصول دین در جامعه بشری نظر دارد؛ زیرا پیمودن صراط مستقیم، تنها بر پایه اعتقاد و توحید نظری استوار نیست؛ بلکه نیازمند توحید عملی نیز هست. بدین معنا که افزون بر تبیین احکام و صراط مستقیم، راهبری عملی و میدانی (امام) نیز تعیین گردیده تا مردمان را به سوی این صراط مستقیم هدایت کند و پیش قراول و پیشگامی باشد که دیگران در پی او روان گردند.

بدین سان روشن می شود که سوره حمد تمامی معارف دینی را به صورت فشرده و موجز در خود نهفته دارد. این همان دلیلی است که سبب شده این سوره به عنوان سوره ای شناخته شود که تمامی جوامع قرآنی در آن گرد آمده است؛ چنان که

۱. سوره اعراف: ۵۴.

۲. سوره قصص: ۶۸.

در آیه کریمه «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ»^۱ آمده است. قرار گرفتن عبارت: «سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي» در کنار «الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» نشان می‌دهد که گویی قرآن کریم، تفصیلی از این اجمال و اختصار است؛ بدین معنا که ابتدا جوامع کلم و معارف قرآنی در سوره حمد به صورت فشرده بیان گردیده و آنگاه در کتاب الهی، از سوره بقره تا پایان، به تفصیل تشریح شده است.

نظام توقیفی ترتیب سور و آیات

در گفتارهای آتی، تفسیر سوره بقره را آغاز خواهیم کرد؛ اما شایان ذکر است که تأکید کنیم نظامی که ما امروزه در سوره‌ها و آیات قرآن کریم شاهد آن هستیم، ترتیبی الهی و توقیفی است که به فرمان خداوند و توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله سامان یافته است. هرچند بحث بر اساس ترتیب نزول ایرادی ندارد؛ اما در چینش کنونی، حکمتی نهفته است که با رعایت آن، این حکمت‌ها محفوظ می‌ماند. در روایات آمده است که هنگام نزول آیات، رسول خدا صلی الله علیه و آله جایگاه هر آیه در سوره و جایگاه هر سوره را تعیین می‌فرمودند؛ از این رو تغییر این ترتیب، پسندیده نیست و بسان آن است که آیات را به صورت پراکنده به بحث بگذاریم.

بنابراین، شیوه برتر، تفسیر قرآن بر اساس همین ترتیب موجود است؛ زیرا این ترتیب از حضرت امیر علیه السلام اخذ شده و ایشان که باب علم رسول الله صلی الله علیه و آله هستند، آن را از پیامبر خدا دریافت نموده‌اند. لذا ادعای نوآوری در تغییر چینش آیات، مطلوب نیست؛ وگرنه ائمه هدی علیهم السلام ما را بدان رهنمون می‌شدند و آیات را به ترتیب نزول تبیین می‌کردند؛ حال آنکه برخلاف این رویه فرموده‌اند: «اقْرَؤُوا كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ»^۲؛ قرآن را همان گونه که مردم قرائت می‌کنند، بخوانید. این امر ریشه در آن دارد که نظم میان سوره‌ها و آیات، نظامی الهی است و حکمت‌هایی در این چینش موجود نهفته است که دگرگونی آن، ما را از این حکمت‌ها محروم می‌سازد.

حکمت صیانت و حفظ آیات خاص

یکی از حکمت‌های ترتیب فعلی قرآن کریم، حفظ و صیانت از برخی آیات است. برای نمونه، جای‌گذاری «آیه تطهیر» به فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان آیات مربوط به «نساء النبی»، دستوری از جانب خدا و از تدابیر الهی است که خود اندیشیده و بدان اشاره فرموده است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۳. یکی از مصادیق حفظ قرآن کریم و آیات و سور آن، همین تدابیر الهی است.

آیه مربوط به روز غدیر و فرمان ابلاغ امامت امیرالمؤمنین علیه السلام از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز از همین گونه آیات است: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ». این آیه در میان آیاتی جای گرفته که سیاق آیات پیش و پس از آن، پیوند چندانی با آن ندارد؛ اما این جای‌گذاری حکیمانه است و بیهوده نبوده است.

۱. سوره حجر: ۸۷.

۲. اشاره استاد رحمته الله علیه به این روایت است: «أَقْرَأَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَأَنَا أَسْمَعُ حُرُوفًا مِنَ الْقُرْآنِ لَيْسَ عَلَى مَا يَقْرَأُهَا النَّاسُ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَهْ مَهْ، كُفَّ عَنْ هَذِهِ الْقِرَاءَةِ، اقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ، فَإِذَا قَامَ فَقَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ عَلَى حِدِّهِ وَأَخْرَجَ الْمُصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلَيَّ...»؛

[بصائر الدرجات؛ ج ۱، ص ۱۹۳].

۳. سوره حجر: ۹.

بارها عرض کرده‌ام که مرحوم ابوی احتمال می‌دادند که آیه تطهیر در اصل وحی، در سوره دیگری مانند سوره «انسان» (هل أتى) نازل شده باشد؛ اما به دستور خدا و رسول اکرم صلی الله علیه و آله موقتاً به سوره احزاب منتقل شده تا در آنجا محفوظ بماند. پرسشگر: آیا می‌توان این امر را تقیه دانست؟

استاد: بله، می‌توانید آن را تقیه بشمارید یا هر عنوان دیگری بر آن بنهید؛ اما هرچه باشد، فرمان خداوند است.

فهم بطون و لایه‌های پنهانی قرآن

پرسشگر: آیا ادراک حکمت‌های قرآن در توان و حیطة فهم ماست؟

استاد: بعید نیست؛ اما این امر کار ما نیست؛ بلکه در شأن و توان اهل بیت و ائمه هدی علیهم السلام است. آری، آنچه از فهم قرآن برای ما میسر است، ظاهر قرآن است؛ چراکه قرآن هم دارای ظاهر است و هم دارای بطن (باطن). آیات الهی لایه‌هایی دارند که برای همگان و افراد عادی قابل درک نیست. برای نمونه، این آیه شریفه را در نظر بگیرید که می‌فرماید:

﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾؛ ای گروه جن و انس، اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمان‌ها و زمین بگذرید، پس بگذرید؛ اما توان نفوذ ندارید؛ مگر با سلطانی (قدرت و برهانی نیرومند).

ائمه اطهار علیهم السلام قادرند معانی بسیاری را از این آیه استخراج نمایند و خداوند متعال به ایشان الهام می‌فرماید؛ اما برای ما ممکن نیست، زیرا ما تنها ظاهر را درک می‌کنیم. در روایت می‌خوانیم:

﴿إِنَّ الْقُرْآنَ أَنْزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ مَا مِثْلُهَا إِلَّا وَلَهُ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ وَإِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلِمَ الظَّاهِرَ وَالْبَاطِنَ﴾.^۱

حتی بیان داشته‌ایم که یکی از احتمالات «سبعة أحرف» این است که هفت لایه معنایی دارد و هریک از لایه‌های هفت‌گانه نیز دارای لایه‌هایی پنهانی است؛ از این رو تفسیر بر دو گونه است:

۱. تفسیر الفاظ قرآن؛

۲. تفسیر معانی قرآن کریم.

پس از آنکه معنای الفاظ قرآن را دریافتیم، نوبت به بطون آنها می‌رسد که ممکن است رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام بتوانند تمامی علوم را از آنها استخراج کنند و هیچ استبعادی در این امر راه ندارد؛ اما این کار ما و در حیطة قدرت ما نیست. ما تنها می‌توانیم از ظاهر قرآن کریم بهره‌بریم و این مقدار از ظاهر نیز همان است که اکنون بیان می‌داریم؛ ولی ماورای این ظاهر را باید از خاندان رسالت و ائمه اطهار علیهم السلام دریافت نمود. تفسیر سوره حمد در اینجا به پایان می‌رسد.

و صلّی الله علی محمد و آل الطاهرين

۱. سوره الرحمن: ۳۳.

۲. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام؛ ج ۲، ص ۴۳.